یادداشت

حسین فصیحی

ضرورت حفظ سرمایه اجتماعی پلیس

امنیت، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد توجه دولت‌هااست که با صرف هزینه‌های بسیار مورد توجه آنها قرار دارد. در کشور ما بخش مهمی از تأمین امنیت جامعه بر عهده نیروی انتظامی است که از نقاط صفر مرزی تا قلب پایتخت تلاش برای تأمین آن در جریان است. نیروی انتظامی همواره رویکرد اقتدار توأم با احترام را در عملکرد خود در مواجهه با افراد جامعه مورد توجه قرار داده‌است؛ مقوله‌ای دشوار که بعید است از سوی نیروی پلیس کشور دیگری مورد توجه قرار گرفته‌باشد. دشواری آن به سان قرار گرفتن سنگ در کنار شیشه یا موضوعاتی از این دست است که توجه توأمان به مبانی انسانی و ایمانی نیروی انتظامی را در کنار اقتدار آن مورد توجه قرار داده‌است، از همین رو عملکرد پلیس به عنوان بزرگ‌ترین ساختار اجتماعی کشور بیش از هر ساختار دیگری پیش‌روی همگان قرار دارد و مورد داوری افکار عمومی قرار می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جوامع پیشرفته برای تأمین امنیت را می‌توان در صرف هزینه‌های بسیار در زیرساخت‌های اجتماعی‌شان مطرح کرد که با گذشت سال‌ها به عنوان سرمایه اجتماعی در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرد، از همین رو قانون در این جوامع از سوی همگان مورد احترام قرار می‌گیرد و امکان بروز مفسده به دلیل بیم از عدم تمکین از قانون و پیامدهای دشوار آن تا حدود بسیاری از بین می‌رود. نتیجه اینکه در جامعه‌ای که برای ساختارهای پیشگیرانه آن هزینه‌های بسیار صرف می‌شود، پلیس با دشواری بسیار کمتر مواجه می‌شود.

در جامعه ما که با معضلاتی بسیار مثل ترافیک‌های سنگین، رها شدن افراد بی‌خانمان در خیابان‌ها، کودکان کار، معتادان متجاهر، سرقت‌ها و آسیب‌هایی از این دست مواجه است و گسترش مدام آن روح عمومی جامعه را آزار می‌دهد، انتظارهای عمومی از پلیس برای رفع این معضلات هر روز افزایش می‌یابد. بی‌تردید بخش مهمی از معضلاتی که امروز جامعه با آن درگیر شده و پلیس را در مقام پاسخ‌گویی به آن قرار داده‌است یا ریشه در قانون‌گریزی ساختارهای قدرت یا بی‌توجهی به پیوست‌های اجتماعی آن آسیب دارد که در هر دو بخش پلیس توانی برای رفع هیچ کدام از این معضلات ندارد. در بخش اول این موضوع به شکل‌گیری پرونده‌های مفاسد و اختلاس‌های کلان و بخش دوم فوران آسیب‌های اجتماعی را به همراه داشته‌است که این چرخه تا پیدا شدن اراده‌ای برای رفع عملی آن مدام در حال تکرار شدن است. موضوع دیگر در این بین سرمایه مهم، نیروی انسانی پلیس است که در مقام حرف مدام مورد توجه قرار گرفته و در مقابل عمل آنگونه که شایسته است مورد حمایت قرار نگرفته‌است. به یاد بیاوریم پرونده اختلاس در بنیاد تعاون ناجا را که در جریان آن خانواده‌های بسیاری از کارکنان پلیس، سرمایه‌های انسانی و معنوی خود را از دست دادند بدون اینکه مورد دلجویی قرار بگیرند. بخش مهم دیگر از این سرمایه، همسران مأموران پلیس هستند که هر روز شوهران خود را بدرقه می‌کنند و گاه چشم‌هایشان برای همیشه در انتظار بازگشت آنها باقی می‌ماند. این روزها که در هفته ناجا به سر می‌بریم روز همسران و کودکان مأموران پلیسی است که پدرانشان در درگیری با مخلان امنیت کشور آسمانی شده‌اند.

مرد جوان و همسر صیغه‌ای‌اش که با همدستی یکی از دوستانشان در پوشش مسافربر از زنان زورگیری می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، شامگاه دهم شهریورماه بود که زن جوانی مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد را از ماجرای یک زورگیری با خبر کرد. او گفت که دو مرد و یک زن در پوشش مسافربر اموال او را سرقت کرده‌اند که از آنها شکایت دارد. پس از آن بود که پرونده به دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۲۷ در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. زن جوان در شرح بیشتر ماجرا گفت: ساعت ۲۰:۳۰ شب حادثه مقابل متروی شهرک شریعتی منتظر تاکسی بودم تا به خانه‌ام بروم که یک خودروی سمند مسافربر توقف کرد. به جز راننده که مردی جوان بود زنی هم در صندلی جلو سوار بود و مرد دیگری هم در صندلی عقب نشسته بود. به خاطر حضور آن زن اعتماد کردم و بعد از گفتن مسیرم در صندلی عقب سوار شدم و راننده حرکت کرد. او هنوز مسافت زیادی را طی نکرده‌بود که ناگهان تغییر مسیر داد و وارد بزرگراه تندگویان شد که اعتراض کردم. همان لحظه مردی که کنارم نشسته بود خم شد و قمه‌ای از زیر صندلی بیرون آورد و زیر گلویم گذاشت. بعد هم با ته قمه شروع به کتک زدن و همزمان فحاشی می‌کرد. ابتدا ساعت و حلقه ازدواجم را به زور گرفت. بعد کیفم را برداشت و دودستگاه گوشی تلفن همراه و کارت‌های عابربانکم را سرقت کرد. آنها سپس کنار یک باجه عابربانک توقف کردند و رمز کارت‌هایم را سؤال کردند. من هم از ترس رمز را به آنها گفتم که پول‌ها را از حسابم به حساب‌های دیگری منتقل کردند.

زن جوان ادامه داد: سارقان با بررسی پیامک‌هایم متوجه شدند که چند کارت عابربانک دیگر دارم که پول زیادی در حساب‌هایم موجود است. به آنها توضیح دادم که کارت‌ها داخل خانه است و به آن دسترسی ندارم. زن جوان ادامه داد: سارقان تا ساعت ۱۱ شب من را در بزرگراه‌ها چرخاندند و مدام تهدید به قتل می‌کردند. سرانجام آنها من را مقابل خانه‌ام پیاده کردند و یک ساعت به من مهلت دادند تا پول‌ها را به شماره حسابی که به من داده بودند واریز کنم که من هم پلیس را از ماجرا با خبر کردم. پس از طرح شکایت تحقیقات برای بازداشت اعضای باند به جریان افتاد. کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات خود و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند شماره پلاک سمند را به دست آوردند و مالک آن را در خلازیر شناسایی و بازداشت کنند. متهم پس از مواجهه با شاکی به جرمش اعتراف کرد و گفت با همدستی همسر صیغه‌ای و یکی از دوستانش مرتکب سرقت از زنان می‌شد که دو همدست متهم هم بازداشت شدند.

سرهنگ احمد نجفی، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران گفت: سه متهم با قرار ۳ میلیارد تومانی روانه زندان شدند.

نجفی به صحنه جنایت بازگشت

۲ هفته مهلت برای اعلام نظر تیم کارشناسی

محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران بار دیگر به صحنه جنایتی که هفتم خردادماه در خانه‌اش رقم زده‌بود، بازگشت. جایی که همسر دومش میترا استاد را با شلیک گلوله به کام مرگ فرستاد و نام خودش را میان لیست مرتکبان به همسرکشی ثبت کرد.

به گزارش جوان، محمدعلی نجفی صبح روز گذشته با خودروی مأموران تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران از زندان اوین به برج آرمیتا در محله سعادت آباد تهران منتقل شد. او سپس همراه مأموران بدرقه راهی طبقه هفتم ساختمان شد تا در حضور کارشناسان تیم اسلحه شناسی و پزشکی قانونی بار دیگر صحنه جرم را پس از آنکه قضات دیوان عالی کشور رأی دادگاه را نقض کردند، بازسازی کند. نجفی یک بار دیگر پس از ارتکاب قتل هم قدم به این قتلگاه گذاشته بود. او ۱۵ مهرماه در این محل در حضور تیم جنایی صحنه قتل را بازسازی کرده و حالا چهارماه پس از آن شلیک‌های مرگبار باید بار دیگر ماجرا را شرح می‌داد. روز گذشته بعد از حضور قاضی محمدرضا کشکولی، رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران و تیم کارشناسی شامل کارشناسان اسلحه و کارشناسان پزشکی قانونی، گزارش بررسی صحنه جرم بار دیگر به جریان افتاد. چهار ماه پس از وقوع حادثه در خانه‌ای که یک بار صحنه جرم در آن بازسازی شده‌بود، نجفی با ظاهری آراسته و در حالی که خستگی و آشفتگی ناشی از دیدن دوباره محل در چهره‌اش نمود داشت شروع به واگویه آن‌چه آن روز رخ داده بود، کرد و برای تیم‌های کارشناسی توضیح داد که شلیک‌های او در حمام خانه در حال بی‌تعادلی بوده است. سرگرد عزتی به عنوان یکی از افسران پلیس آگاهی که پس از وقوع حادثه در محل حضور داشت و نظرات خود را هم در جلسات رسیدگی به پرونده اعلام کرد، یکی از کسانی بود که به عنوان گواه در محل حضور داشت. او به هیئت کارشناسی گفت که هنوز باور دارد که گلوله از کف دست وارد و از پشت دست خارج و مجدد از قفسه سینه وارد و در پهلوی چپ متوقف شده است و مرگ میترا را رقم زده است. با پایان گرفتن صحنه بازسازی جرم قاضی کشکولی به تیم‌های کارشناسی اسلحه و پزشکی قانونی دو هفته فرصت داد تا درباره نحوه ورود گلوله به بدن مقتول و دلیل دفورمه شدن گلوله اعلام نظر کنند. در صورتی که گلوله مستقیم به بدن میترا وارد شده باشد، قتل عمد و در صورتی که گلوله غیرمستقیم به بدن مقتول وارد شده‌باشد، عمل نجفی قتل شبه عمد تشخیص داده خواهد شد. نجفی روز گذشته بار دیگر سوار بر خودروی پلیس به زندان اوین منتقل شد. هر چند او رضایت اولیای‌دم را جلب کرده‌است، اما باید یک‌بار دیگر برای جنبه عمومی جرم به میز محاکمه باز گردد.

قتل پسر دستفروش در نزاع با زورگیران خشن

درگیری پدر و پسر دستفروش با دو زورگیر مسافرکش در بزرگراه فتح با قتل پسر جوان و زخمی شدن پدر میانسالش پایان یافت.

به گزارش جوان، ساعت ۱۰:۳۰ شامگاه سه‌شنبه نهم مهرماه بود که مأموران کلانتری ۱۵۰ تهرانسر با تماس تلفنی شهروندی از مرگ مشکوک پسر جوانی با خبر و راهی محل شدند. محل حادثه بلوار کرمان خودرو حوالی بزرگراه فتح در غرب تهران بود که مأموران در آنجا با جسد خونین پسر ۲۳ساله‌ای به نام کامران در کف آسفالت خیابان روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که پسر جوان پس از اینکه مورد اصابت ضربات متعدد چاقو قرار گرفته با خودروی سنگینی تصادف کرده و جانش را از دست داده است. همچنین مأموران دریافتند پدر کامران که مرد میانسالی به نام همت است با ضربات چاقوی افراد ناشناسی زخمی و برای درمان به بیمارستان فیاض‌بخش منتقل شده‌است.

با اعلام خبر قتل پسر جوان و زخمی شدن پدرش، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل حادثه به تحقیق پرداختند. تیم‌جنایی در بررسی‌های اولیه جسد با آثار متعدد ضربات چاقو روی بدن مقتول روبه‌رو شدند که به گفته شاهدان عینی مشخص شد، مقتول و پدرش قبل از تصادف از سوی راننده و سرنشین خودروی سواری پرایدی هدف اصابت چاقو قرار می‌گیرند که و در ادامه کامران پس از فرار از دام زورگیران خشن در وسط بلوار با کامیون سنگینی تصادف می‌کند. تحقیقات مأموران نشان داد پس از این حادثه هم ضاربان و هم راننده خودروی سنگین از محل فرار می‌کنند.

یکی از شاهدان عینی به مأموران گفت: در حال عبور از بلوار بودم که مشاهده کردم پسر جوان و مرد میانسالی داخل خودروی پرایدی با راننده و مرد دیگری درگیر هستند. لحظاتی بعد ابتدا مرد میانسال در حالی که خونین بود از داخل خودرو بیرون آمد و فرار کرد و ثانیه‌هایی بعد پسر جوان هم خونین از دست ضاربان فرار کرد و به داخل بلوار آمد که همانجا حالش بد شد و روی زمین افتاد که ناگهان خودروی سنگینی با سرعت از روی بدنش عبور کرد و بعد هم از محل گریخت. پس از این راننده و سرنشین خودروی پراید هم از محل گریختند. وقتی بالای سر پسر جوان رفتم متوجه شدم فوت کرده‌است، اما مرد میانسال زنده بود که بلافاصله با اداره پلیس و اورژانس تماس گرفتم و موضوع حادثه را خبر دادم و دقایقی بعد هم عوامل اورژانس پیکر نیمه جان مرد میانسال را به بیمارستان منتقل کرد.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ، مأموران برای تحقیق راهی بیمارستان فیاض‌بخش شدند.

پدر مقتول که قادر به حرف زدن نبود با کلمات بریده بریده در توضیح حادثه گفت: ما در شهر قدس زندگی می‌کنیم. مدتی است همراه پسرم در حوالی میدان آزادی دستفروشی می‌کنیم. ما معمولاً بدلیجات می‌فروشیم و درآمد خوبی هم کسب می‌کنیم. هر شب پس از پایان کار با تاکسی به شهر قدس بر می‌گردیم و دوباره صبح برای کار به تهران می‌آییم. امروز صبح مثل همیشه برای کار به تهران آمدیم و ساعتی قبل برای رفتن به شهر قدس سوار خودروی پرایدی شدیم که علاوه بر راننده مرد دیگری هم به عنوان مسافر سوار بود. راننده از بزرگراه فتح به طرف شهر قدس حرکت کرد تا اینکه در نزدیکی بلوار کرمان خودرو و حدود ۲۰۰ متر مانده به کفش ملی خودرواش را متوقف کرد و ناگهان او و سرنشین خودرو باچاقو به ما حمله کردند. همان لحظه فهمیدیم که آنها زورگیر هستند و قصد دارند به خاطر سرقت اموالمان، ما را به قتل برسانند. ما دست خالی بودیم و در برابر آنها مقاومت کردیم که زورگیران با چاقو ضربات متعددی به من و پسرم زدند. ابتدا من از دست آنها فرار کردم و از رهگذران درخواست کمک کردم و ثانیه‌های بعد هم پسرم خونین از دست آنها فرار کرد و به داخل بلوار آمد که همانجا روی زمین افتاد و در همان لحظه هم خودروی سنگینی با سرعت زیاد با او تصادف کرد. پس از این من چیزی متوجه نشدم تا اینکه در بیمارستان به هوش آمدم و فهمیدم پسرم به قتل رسیده‌است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران در تلاشند تا زورگیران قاتل و راننده خودروی سنگین را شناسایی و دستگیر کنند.

مرد خیاط به شلاق و تبعید محکوم شد

مرد خیاط که از دو سال قبل به اتهام ارتباط پنهانی با زن جوان بازداشت شده است به شلاق و تبعید محکوم شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از اوایل سال ۹۶، با طرح شکایت مرد میانسالی علیه مرد خیاط در پلیس تهران به جریان افتاد. او در توضیح ماجرا گفت: «من و همسرم صاحب دو فرزند هستیم، اما از همان ابتدای زندگی با هم اختلاف داشتیم تا اینکه چندی قبل زیبا قهر کرد و هر چه با او صحبت کردم، قبول نکرد به خانه برگردد. به همین دلیل ناچار شدم برایش خانه‌ای اجاره کنم و خودم هر بار به خاطر فرزندانم به ملاقات آنها می‌رفتم.»

مرد میانسال ادامه داد: «همسرم در یک کارگاه خیاطی کار می‌کرد و زمانی که برای آخرین بار به دیدن بچه‌هایم رفته بودم از پسرم شنیدم که همسرم با صاحب کارگاه که مردی به نام رضا است ارتباط دارد. من عصبانی شدم و از همسرم خواستم در این مورد توضیح دهد. او ادعا کرد که رضا او را فریب داده‌است. از همسرم خواستم تا از رضا شکایت کند اما همان شب همسرم با خوردن قرص خودکشی کرد و فوت شد.» با طرح این شکایت رضا بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او به مأموران گفت: «مدتی بود که زیبا در کارگاه من کار می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتیم به صورت شراکتی یک کارگاه تولیدی راه‌اندازی کنیم. او می‌گفت مطلقه است و همراه فرزندش تنها زندگی می‌کند به همین خاطر به او علاقه‌مند شدم.» متهم ادامه داد: «بعد از مدتی شراکت ما به هم خورد به همین خاطر از او خواستم پولی که هزینه کردم را پس دهد اما او زیر بار نمی‌رفت تا اینکه مجبور شدم ماجرای ارتباطمان را با پسرش مطرح کنم تا تحت فشار قرار بگیرد و پولم را پس دهد.»

بعد از اقرارهای متهم، پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه رسیدگی هیئت قضایی رضا را مجرم شناخته و او را به اعدام محکوم کردند، اما این حکم با اعتراض متهم در دیوان عالی کشور نقض و به همان شعبه ارجاع داده شد.

بنابراین متهم بار دیگر در همان شعبه به ریاست قاضی رحمانی پای میز محاکمه قرار گرفت. او بعد از درخواست اشد مجازات از سوی شاکی در آخرین دفاعش گفت: «متوفی گفته بود مطلقه است و خودش بارها ابراز علاقه کرده‌بود، اما این رابطه به خاطر اختلاف در شراکت کاری به هم خورد و من متحمل خسارت زیادی شدم، اما او برای برگرداندن پول‌هایم طفره می‌رفت. فکر کردم اگر ماجرای ارتباط را به پسرش بگویم او طلبم را پس می‌دهد. باور کنید نمی‌دانستم این کار به قیمت جان او تمام می‌شود و پشیمانم.» در پایان هیئت قضایی بعد از شور متهم را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه و وی را به خاطر رابطه نامشروع به ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال تبعید محکوم کرد.

سارق: از ترس شاخ‌های زندان به قتل دروغین اعتراف کردم

«من قاتل نیستم». این ادعای سارق سابقه‌داری است که چندی قبل در زندان تهران بزرگ با نوشتن نامه‌ای به بازپرس ویژه قتل مدعی شده‌بود، شهروندی را هنگام سرقت به قتل رسانده است، اما وی پس از انتقال به دادسرای امور جنایی در بازجویی‌ها مدعی شد که برای فرار از دست مجرمان شرور زندان به دروغ اعتراف به قتل کرده تا چند روزی در بازداشتگاه پلیس استراحت کند.

به گزارش جوان، اواخر شهریورماه امسال بود که سارق سابقه داری از زندان تهران بزرگ نامه‌ای به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران نوشت. متهم ۲۵ ساله که یاشار نام دارد نوشته بود که در یکی از سرقت هایش مرد جوانی را به قتل رسانده‌است. در آن نامه آمده بود: چند سال قبل همراه یکی از دوستانم شروع به سرقت کردیم. ما معمولاً دو نفری در خیابان‌های غربی و شمال غربی طعمه‌های خود را انتخاب می‌کردیم و با تهدید چاقو از آنها زورگیری می‌کردیم. روز حادثه من تنها بودم که برای زورگیری از پسر جوانی دست به چاقو بردم و او را زخمی کردم. وقتی اموالش را سرقت کردم نبضش را گرفتم که متوجه شدم فوت کرده است. در حالی که به شدت ترسیده بودم از محل گریختم. پس از این حادثه، سرقت‌هایم را ادامه دادم تا اینکه هنگام زورگیری دیگری به دام افتادم و راهی زندان شدم. در زندان عذاب وجدان رهایم نکرد به طوریکه هر شب کابوس می‌دیدم و در نهایت تصمیم گرفتم به قتل اعتراف کنم. پس از اعتراف متهم، پرونده برای تحقیقات در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. صبح دیروز متهم برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

وی در بازجویی‌ها گفت که قاتل نیست و به دروغ اعتراف به قتل کرده‌است.

متهم گفت: در دوران کودکی، پدر و مادرم به خاطر اختلافی که داشتند از هم جدا شدند. هر دو ازدواج مجدد کردند و من هم مجبور شدم با پدر و نامادری‌ام زندگی کنم. زندگی سختی داشتم و نامادری‌ام با من رفتار خوبی نداشت، اما چاره‌ای جز تحمل آن وضعیت نداشتم. به همین خاطر همیشه از خانه فراری بودم و سعی می‌کردم بیشتر وقتم را با دوستانم بگذرانم. در نهایت از طریق دوستان ناباب، معتاد و پس از آن وارد جرگه خلافکاران شدم. مشکلات مالی و هزینه اعتیاد مرا به سوی سرقت و زورگیری کشاند که همراه یکی از دوستانم تصمیم گرفتیم از شهروندان زورگیری کنیم. ما هر روز در خیابان‌های غربی تهران پرسه می‌زدیم و در فرصت مناسب از شهروندان زورگیری می‌کردیم تا اینکه در آخرین زورگیری از سوی مردم به دام افتادم و تحویل پلیس داده شدم و در نهایت با حکم قاضی به زندان افتادم. در زندان با مجرمان شروری هم‌سلول شدم که هر کدام از آنها تعداد زیادی نوچه داشتند. شاخ‌های زندان آنجا برای خودشان حکومت خودمختاری تشکیل داده‌اند. آنها مثل خان‌های قدیم روی تخت می‌نشینند و به دیگران دستور می‌دهند و از طریق نوچه‌هایشان زندانی‌های جدید را وادار به هر کاری می‌کنند. هر کسی از دستورات آنها سرپیچی کند نوچه‌ها او را گوشمالی می‌دهند و اگر ادامه پیدا کند مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند و گاهی هم به قتل می‌رسانند، به همین خاطر زندانی‌های تازه ورود و جوان از ترس، دستورات آنها را اطاعت می‌کنند. وی ادامه داد: از زمانی که وارد زندان شدم هر روز مرا وادار به کاری می‌کردند. یک روز لباس‌های آنها را می‌شستم. روز دیگر سلول آنها را نظافت می‌کردم و روز بعد ظرف‌های غذا را می‌شستم و در مواقع بیکاری هم مجبور بودم آنها را ماساژ بدهم و حتی پاهای آنها را بشویم. هر روز که می‌گذشت اوضاع سخت‌تر می‌شد و آنها دستورات تازه‌ای صادر می‌کردند به طوریکه وضعیت غیرقابل تحمل بود و سرانجام برای فرار از این شرایط سخت زندان تصمیم گرفتم به دروغ اعتراف به قتل کنم تا به این بهانه چند روزی از زندان بیرون بروم و کمی در بازداشتگاه پلیس استراحت کنم. وی در پایان گفت: من راضی‌ام قصاص شوم اما به زندان برنگردم.

متهم پس از بازجویی برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

هفته ناجا

افزایش ۲۰ درصدی ظرفیت پذیرش زائران در مرزها

به منظور تسهیل در ورود و خروج زائران اربعین گیت‌های گذرنامه در چهار مرز کشور ۲۰درصد افزایش یافته است.

سردار حسین اشتری در سفر به استان قم گفت: ۳۰هزار نفر از نیروهای انتظامی در تمام مرزها مستقر هستند تا امنیت کامل را برپا کنند و در حال حاضر هیچ مشکل امنیتی نداریم. سردار اشتری همچنین از برنامه‌ریزی برای ایجاد پلیس هوشمند تا سال ۱۴۰۰ خبر داد و گفت: استفاده از تجهیزات و فناوری‌های روز برای ناجا، تسهیل ارتباط مردم با پلیس و نهایتاً پیشگیری از جرائم هدف این طرح است. وی افزود: با اجرای پلیس هوشمند به دنبال آن هستیم که مردم با سرعت بیشتری به خدمات پلیس دست یابند.

مناطق حاشیه‌ای نیازمند کلانتری است

حدود یک‌میلیون نفر از مردم تهران که غالباً در مناطق حاشیه‌ای هستند نیاز به کلانتری دارند. با ساخت کلانتری در این مناطق حلقه‌های امنیتی تکمیل خواهد شد.

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت در مراسم کلنگ‌زنی و آغاز به کار احداث ۱۰کلانتری توسط خیرین امنیت‌ساز که بعد از ظهر دیروز در محله دولتخواه برگزار شد، گفت: ۱۱سال پیش، شورای عالی امنیت ملی در مصوبه‌ای اعلام کرد که تعداد کلانتری‌های تهران باید به ۲۰۰مورد برسد. بنا شد تا در فاز اول ۴۰کلانتری در تهران ساخته شود، اما متأسفانه در طول این سال‌ها اقدامی انجام نشد.

رحیمی با بیان اینکه مأموران ما در کلانتری کار امنیت و رسیدگی به امور مردم و برخورد با مجرمان و... را انجام می‌دهند، گفت: در بعضی از کلانتری‌های ما حجم مراجعات روزانه بسیار زیاد است و بعضاً در یک کلانتری تا ۵۰۰نفر در روز مراجعه می‌کنند و درخواست‌هایی دارند و این امکان وجود ندارد که مأمور ما به تمام این موارد رسیدگی کند و در این میان ممکن است مردم نیز ناراضی باشند، به همین دلیل لازم است که تعداد کلانتری‌های ما افزایش پیدا کند.

رئیس پلیس پایتخت با بیان اینکه حدود یک‌میلیون نفر از مردم تهران که غالباً در مناطق حاشیه‌ای هستند نیاز به کلانتری دارند، گفت: باید از این افراد حمایت شود و به‌توان با ساخت کلانتری‌های مورد نیاز در این منطقه امنیت و احساس امنیت را ارتقا داد که با این اقدام حلقه‌های امنیتی تکمیل خواهد شد.

امنیت کامل در مرزها برقرار است

تاکنون هیچ موردی از ناامنی در مرزها مشاهده نشده است.

سردار قاسم رضایی فرمانده مرزبانی ناجا در حاشیه بازدید از پایانه مرزی مهران در جمع خبرنگاران بابیان اینکه زائران با رعایت قوانین و مقررات و با داشتن گذرنامه از مرزها عبور می‌کنند، گفت: هیچ ناامنی تاکنون در مرزها مشاهده نشده و با توجه به استقبال زائران از مرز مهران، تمهیدات لازم در این خصوص پیش‌بینی شده است. به گفته وی: ساماندهی مطلوبی توسط نیروی انتظامی و همچنین در حوزه قرنطینه با مرزبانی ناجا صورت گرفته است.

سرقت از مسافران با آب میوه مسموم

راننده مسافربر که با آبمیوه مسموم از مسافرانش سرقت می‌کرد بازداشت شد.

سرهنگ سعید لشینی، رئیس کلانتری ۱۱۸ ستارخان در توضیح حادثه به خبرنگار ما گفت: بیستم شهریور زن جوانی وارد کلانتری شد و مأموران را از ماجرای سرقت با خبر کرد. او گفت: در خیابان نواب به عنوان مسافر سوار بر یک دستگاه خودروی سواری که راننده آن مردی حدوداً ۳۰ساله بود، شدم.

پس از طی مسافتی باب گفت و گو آغاز شد و پس از کمی صحبت کردن، راننده خودرو که مدعی بود تشنه است جلوی یک آبمیوه فروشی توقف کرد و پس از خرید آبمیوه یکی را به من تعارف کرد که قبول کردم. پس از مدت کوتاهی احساس سرگیجه کردم و چیزی نفهمیدم. وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم در کنار کوچه‌ای فرعی افتاده‌ام و النگوهایم در دستم نیست، کیفی دستی‌ام که حاوی گوشواره و گوشی و پول نقد و تعدادی نیم سکه طلای بهار آزادی بود هم به سرقت رفته است. بعد از طرح شکایت مأموران پلیس در بازرسی دوربین‌های مداربسته پلاک خودرو را شناسایی کردند و مالک آن سیزدهم مهرماه بازداشت شد و در بازرسی از مخفیگاهش مقدار زیادی اموال سرقتی کشف کردند. تحقیقات برای کشف جرائم متهم در پایگاه دوم پلیس آگاهی پایتخت جریان دارد.

سرقت خودروهای جیپ با پراید

دو سارق حرفه‌ای که سوار بر خودروی پراید اقدام به سرقت خودروهای جیپ می‌کردند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ سعید لشینی، رئیس کلانتری ۱۱۸ ستارخان گفت: ساعت یک بامداد روز گذشته مأموران کلانتری هنگام گشت‌زنی حوالی میدان توحید به رفتار دو مرد پراید سوار مظنون شده و آنها را تحت نظر گرفتند. لحظاتی بعد سرنشین پراید، خودرو را به یک خودروی جیپ پارک شده رساند و پس از گشودن در خودرو پشت فرمان نشست. وقتی مأموران کلانتری وارد عمل شدند دو مظنون با خودروهای پراید و جیپ در جهت‌های مختلف فرار کرده و عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. مأموران کلانتری اما موفق شدند دو خودرو را متوقف و هر دو متهم را بازداشت کنند. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که سواری پراید اعلام سرقت شده است. دو متهم ۳۶ و ۳۲ ساله اقرار کردند که عاشق خودروهای جیپ هستند و به این شیوه اقدام به سرقت این خودروها می‌کنند. سرهنگ لشینی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان در جریان است.